



سه ضلع مثلث آموزش

فرایند آموزش را می‌توان به مثلی تشبیه کرد که سه ضلع آن را استاد، دانش‌پژوه (اعم از دانش‌آموز و دانشجو) و فناوری آموزشی تشکیل می‌دهد و هر یک از این سه ضلع در جای خود از اهمیت وافر برخوردارند. نحوه تعامل این سه می‌تواند نوع آموزش را مشخص کند. آموزش می‌تواند تسلیمی - حفظی باشد، به گونه‌ای که در کلاس درس هرچه استاد می‌گوید و می‌نویسد، دانش‌پژوه، که گویی سلب اختیار شده است، همچون وحی منزل بپذیرد و در ذهنش بایگانی کند. در این شیوه، معلم و دانش‌آموز هر دو راضی خواهند بود، ولی این دانش‌آموز دیگر خلاق نیست؛ تنها انبانی از دانسته‌هایی است که در عمل به کار نمی‌آید. در نتیجه، آن‌گاه که توقع می‌رود دست بگشاید و طرحی نو دراندازد، می‌ایستد و نگاه می‌کند. در عرصه عمل کار او تقلید است و در عرصه نظر تنها ریزه‌خوار آنچه در جزوه‌اش نوشته است و اگر جزوه‌اش را بگیری چیزی برایش باقی نمی‌ماند. کتاب‌خانه‌هایمان را اگر نگاه کنیم در آن‌ها از این دست جزوه‌های دوران تحصیل کم نخواهیم یافت. هرچه بیشتر خواندیم کمتر آموختیم. در این وضعیت آشفته، کتاب‌های کمک‌درسی نیز نور علی‌نور! شده است. تو گویی تصمیم گرفته‌ایم قبل و بعد از کنکور، هر دو را به مماشات با تست‌های طبقه‌بندی‌شده و جزوه‌های دسته‌بندی‌شده بگذرانیم. به راستی چه باید کرد که فرایند آموزش‌های ما از این وضعیت رهایی یابد و در مسیری درست قرار گیرد؟

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فرایند تعلیم و تربیت را فرایندی تعالی‌جویانه، تعاملی و تدریجی می‌داند که بر مبنای آن، آموزش در کلاس درس باید جهت‌دار و عمیق صورت گیرد. چنین آموزشی مستلزم داشتن ویژگی‌های زیر است:

۱. مشارکت فعال دانش‌پژوه در فهم مطالب برای ارتقای سطح دانش؛
۲. ایجاد نشاط ناشی از لذت کشف در فرایند آموزش؛
۳. برانگیختن انگیزه‌های درونی دانش‌پژوه در به دست آوردن مطالب علمی؛
۴. رفع کسالت و پربشانی ناشی از اضطراب آزمون؛
۵. قرار گرفتن مشارکت و کار گروهی در اولویت ذهنی دانش‌پژوه به جای رقابت بین هم‌کلاسی‌ها؛
۶. درک ثمره آموخته‌ها برای دانش‌پژوه در زندگی روزمره او، به صورت کاربردی؛
۷. احیای روح پرسشگری در دانش‌پژوه؛
۸. ایجاد امکانی گسترده برای ذهن‌های خلاق، به منظور کشف ایده‌های جدید و فراتر از کتاب درسی.

مشاهده
می‌کنید که مربیان،
اعم از آموزگاران و
دبیران و استادان، باید چه
تلاش نفس‌گیری را به‌کار
گیرند تا به این اهداف برسند.

به یاری خدا، ما برآنیم که در این
مجله، علاوه بر نشر مقالات و تحقیقاتی
که عزیزانمان در زمینه‌های متفاوت فیزیک
می‌نویسند یا انجام می‌دهند، به توسعه آموزش
فیزیک در مدارس نیز بپردازیم و در این مورد همت
بیشتری را مصروف داریم. به همین منظور از همکارانی
که در دبیرستان و دانشگاه زحمت تدریس درس فیزیک را بر
عهده دارند، می‌خواهیم در این زمینه یاریمان کنند. همچنین
دست‌دانش‌پژوهانی را که خلاقانه به پژوهش و تحقیق می‌پردازند
صمیمانه می‌فشاریم.

بنابراین همان‌طور که از پژوهشگران می‌خواهیم یافته‌های پژوهشی خود
را برای ما ارسال دارند از دبیران محترم نیز می‌خواهیم ما را از تجربه‌های
آموزشی خود و اکتشافات درسی‌شان آگاه سازند. گاهی اوقات شما روشی را برای
تدریس یک مفهوم به‌کار می‌برید که قدرت تفکر علمی دانش‌آموزان را می‌افزاید و
سبب می‌شود که دانش‌آموزانتان به کشف و بسط لذت‌بخش مطالب و مفاهیم فیزیک
دست پیدا کنند و کنج‌کاوی آن‌ها برای گسترش یافته‌های علمی خود افزون گردد. این
تجربیات بسیار ارزشمند هستند و ما وظیفه خود می‌دانیم که به نشر این تجربیات در مجله
رشد فیزیک بپردازیم تا روحیه کاوش‌های علمی روز در کشور افزون‌تر شود. بنابراین از تجربه‌های
خود ما را بی‌نصیب نگذارید. همچنین می‌توانید، حتی با تلفن همراه خود، فیلم بگیرید و برایمان
ارسال دارید.

سرانجام، ما کارهای گروهی دانش‌پژوهان را نیز، که برای درک بهتر مفاهیم درس فیزیک، در عمل انجام
می‌دهند، خواهانیم؛ زیرا همان‌گونه که از عنوان مجله پیداست، وظیفه داریم در تعالی آموزش بهتر علم فیزیک
بکوشیم. بنابراین این‌گونه تجربیات را باید گسترش دهیم و می‌دانیم که این فرایندها دست کمی از فرایندهای
پژوهشی ندارد.

ما را شایق دریافت مطالب و یافته‌های خود بدانید و از ارسال نتایج تجربیات و پژوهش‌هایتان برای مجله دریغ نفرمایید.
در پایان بر خود لازم می‌دانم از زحمات و خدمات استاد ارجمندم خانم دکتر منیژه رهبر، سردبیر سابق مجله که طی
ربع قرن، تلاش بی‌شائبه‌ای برای انتشار مجله رشد فیزیک مبذول داشتند تشکر کنم. سعیشان مشکور و تلاششان مأجور باد.
در آخر از خداوند می‌طلبیم که دشواری‌های این راه را بر ما آسان فرماید.

این‌چنین قفل‌گران را ای ودود
کی تواند جز به فضل تو گشود؟

سردبیر